



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی انتقادی مبانی معرفت شناختی

مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام

استاد راهنما

دکتر کریم خانمحمدی

استاد مشاور

دکتر حسین سوزنچی

نگارش

حسین حاج محمدی

۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی انتقادی مبانی معرفت شناختی

مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام

استاد راهنما

دکتر کریم خانمحمدی

استاد مشاور

دکتر حسین سوزنچی

نگارش

حسین حاج محمدی

۱۳۹۲

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»:

(فما ابتغى فاطمة نهي سيدة النساء العالمين من اللولين والآخرين)

ثم اتفت الى علي «عليه السلام» فقال:

(يا علي ان فاطمة بضعة مني ونور مني وثمره فوادي يسووني ماساتها ويسرني ماسرها)

(جمادى الاخرى ٤٣٧ ص ١٨٥، رواية ٥٢، الباب ٥٠)

تقديم به صدقة كبرى حضرت فاطمة زهرا «سلام الله عليها»

تقدیر و شکر

پاس خدای را که سخوران، در ستودن او جانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دور بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و امدار وجودشان است.

به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» شایسته است از جناب آقای دکتر کریم خانمحمدی که با حسن خلق و فروتنی از بیج ملکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهمایی این رساله را بر عهده گرفتند و همچنین از جناب آقای دکتر حسین موزنجی که به عنوان استاد مشاور زحمت مشاوری این رساله را متقبل شدند و همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند تقدیر و شکر نمایم.

چکیده

یکی از مکاتب مهم علوم اجتماعی، مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام است. مطالعات فرهنگی دربرگیرنده مجموعه‌ی قابل توجهی از پژوهش‌ها، نظریات، روش‌ها و فعالیت‌های انتقادی است که به تحلیل آشکال و فرایندهای فرهنگی می‌پردازد و امروزه به یکی از رشته‌های مهم در مراکز علمی تبدیل شده است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی انتقادی مبانی معرفت‌شناختی مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام است. با توجه به تأثیری که این مکتب بر مطالعات فرهنگی داشته است، هدف از انجام این پژوهش، بازخوانی مبانی معرفتی آن، برای فهم ریشه‌های بنیادین اندیشمندی و لوازم و دلالت‌های آن در ساحت‌های گوناگون مطالعات فرهنگی است. در این پژوهش با بهره‌وری از روش تحلیلی-عقلی، نخست مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام معرفی گردیده، سپس به شناسایی مبانی معرفت‌شناختی پرداخته شده و مشخص گردیده است که مطالعات فرهنگی در مبانی معرفتی خود متأثر از رویکرد پساساختارگرا، معتقد به شکل‌گیری دانش و حقیقت در ارتباط با گفتمان و قدرت و قائل به نفی بازنمایی است. سپس به نقد مبانی معرفت‌شناختی این مکتب پرداخته شده و این نتیجه حاصل شده است که پایبندی به لوازم معرفتی آن، سبب نفی کاشفیت معرفت و تقلیل آن به ساحت‌های فرهنگی و اجتماعی است و نسبی‌گرایی معرفتی را به همراه می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات فرهنگی بیرمنگام، معرفت‌شناسی، بررسی انتقادی، پساساختارگرایی

فهرست مطالب

مقدمه: کلیات	۱
۱- بیان مسئله	۲
۲- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق	۳
۳- اهمیت و فایده تحقیق	۳
۴- اهداف تحقیق	۳
۵- پیشینه تحقیق	۳
۶- فرضیه های تحقیق	۴
۷- پیش فرض های تحقیق	۵
۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۵
۹- سازماندهی پژوهش	۵
فصل اول: چهارچوب مفهومی	۷
مقدمه	۸
۱- مفاهیم مرتبط با مکتب مطالعات فرهنگی	۸
۱-۱- مکتب و نظریه	۹
۱-۱-۱- مکتب	۹
۲-۱-۱- نظریه	۱۰
۲-۱- فرهنگ	۱۰

- ۱-۲-۱- تعاریف مختلف فرهنگ..... ۱۱
- ۳-۲-۱- سطوح و لایه‌های فرهنگ..... ۱۲
- ۳-۱- مطالعات فرهنگی..... ۱۳
- ۱-۳-۱- معنای عام مطالعات فرهنگی..... ۱۳
- ۳-۱-۲- معنای خاص مطالعات فرهنگی..... ۱۳
- ۳-۳-۱- تفاوت مطالعات فرهنگی با انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ۱۵
- الف) تفاوت مطالعات فرهنگی با انسان‌شناسی..... ۱۵
- ب) تفاوت مطالعات فرهنگی با جامعه‌شناسی فرهنگی... ۱۶
- ۲- مبانی معرفت‌شناختی..... ۱۷
- ۱-۲- هستی‌شناسی..... ۱۸
- ۲-۲- انسان‌شناسی..... ۱۸
- ۳-۲- معرفت‌شناسی..... ۱۸
- ۳- بررسی انتقادی مبانی معرفت‌شناختی..... ۱۹
- ۱-۳- نقد و انتقاد..... ۱۹
- ۲-۳- معیارهای نقد..... ۲۰
- ۳-۳- نقد هستی‌شناسی..... ۲۰
- ۴-۳- نقد انسان‌شناسی..... ۲۱
- جمع‌بندی..... ۲۱
- فصل دوم: معرفی مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام..... ۲۴
- مقدمه..... ۲۵
- ۱- تاریخچه..... ۲۵
- ۱-۱- معرفی مکتب بیرمنگام..... ۲۵
- ۲-۱- مقاطع مطالعات فرهنگی..... ۲۷
- ۱-۲-۱- مقطع ملی - مردمی..... ۲۸
- ۲-۲-۱- مقطع متنی - نمایشی..... ۲۹
- ۳-۲-۱- جهانی شدن - پساذاات باوری..... ۳۰
- ۴-۲-۱- حکومت‌گرایی و سیاست..... ۳۱

- ۲- زمینه‌های اجتماعی..... ۳۲
- ۲-۱- توجه به فرهنگ در علوم انسانی..... ۳۲
- ۲-۲- فرهنگ به مثابه امر اقتصادی..... ۳۳
- ۲-۳- تکنولوژی‌های ارتباطی..... ۳۴
- ۲-۴- گسترش مهاجرت‌های داخلی و خارجی..... ۳۴
- ۲-۵- پیدایش جامعه توده ای نوین..... ۳۵
- ۲-۶- انتقادات اصحاب مکتب فرانکفورت..... ۳۵
- ۲-۷- ظهور جنبش‌های اجتماعی نوین..... ۳۶
- ۲-۸- جهانی شدن..... ۳۷
- ۲-۹- همگانی شدن فرهنگ..... ۳۷
- ۲-۱۰- ظهور شهروند فرهنگی..... ۳۷
- ۲-۱۱- سیاست‌های فرهنگی تاجریسم..... ۳۸
- ۳- بسترها و زمینه‌های معرفتی..... ۳۸
- ۳-۱- ناکارآمدی روش‌های تحصیلی (پوزیتیویستی)..... ۳۹
- ۳-۲- ظهور رویکردهای انتقادی..... ۴۰
- ۳-۳- ظهور رویکردهای نظری تأویل‌گرا بدیل پوزیتیویستم..... ۴۰
- ۳-۴- بیگانگی علوم انسانی از ایفای نقش روشنگری و ارتباط با مردم..... ۴۱
- ۳-۵- لیویسیسم..... ۴۱
- ۴- ویژگی‌ها..... ۴۲
- ۴-۱- تنوع و تکثر در نظریه، موضوع و روش..... ۴۲
- ۴-۲- تأثیر پذیری از فلسفه اجتماعی اروپایی..... ۴۲
- ۴-۳- برجسته بودن رویکرد مارکسیستی..... ۴۳
- ۴-۴- داشتن رویکرد انتقادی..... ۴۳
- ۴-۵- نگاه استقلالی به فرهنگ..... ۴۳
- ۴-۶- فرهنگ؛ محل منازعات ایدئولوژیک..... ۴۴
- ۴-۷- تقابل با رویکردهای پوزیتیویستی در بررسی مسائل فرهنگی..... ۴۴
- ۴-۸- توجه و علاقه به مسائل خرد در برابر مسائل کلان..... ۴۵

- ۴-۹- نگاه فعال به مخاطب ۴۵
- ۴-۱۰- نشانه‌ای دانستن عناصر فرهنگی ۴۶
- ۴-۱۱- توجه به جامعه معاصر و تقابل با برداشت سنتی از فرهنگ ۴۶
- ۴-۱۲- توجه به چگونگی عمل فرهنگ ۴۶
- ۴-۱۳- فاصله گرفتن از نگاه بدبینانه مکتب فرانکفورت ۴۷
- ۵- روش در مطالعات فرهنگی ۴۷
- ۵-۱- مردم نگاری ۴۷
- ۵-۲- تحلیل‌های متنی ۴۸
- ۵-۲-۱- نشانه شناسی ۴۹
- ۵-۲-۲- نظریه روایت ۴۹
- ۵-۲-۳- واسازی ۵۰
- ۵-۳- مطالعات پذیرشی ۵۰
- ۶- مفاهیم پُرکاربرد ۵۱
- ۶-۱- فرهنگ ۵۱
- ۶-۲- فرهنگ عامه پسند ۵۲
- ۶-۳- بازنمایی ۵۳
- ۶-۴- قدرت ۵۳
- ۶-۵- متون و خوانندگان ۵۳
- ۶-۶- رمزگذاری و رمزگشایی ۵۴
- ۷- موضوعات اصلی ۵۴
- ۷-۱- فرهنگ عامه ۵۵
- ۷-۲- زندگی روزمره ۵۵
- ۸- متفکران برجسته ۵۶
- ۸-۱- ریچارد هوگارت ۵۶
- ۸-۲- ریموند ویلیامز ۵۷
- ۸-۳- ادوار پالمر تامپسون ۵۹
- ۸-۴- استوارت هال ۶۰

جمع بندی.....	۶۱
فصل سوم: مبانی معرفت شناختی مکتب مطالعات فرهنگی.....	۶۴
مقدمه.....	۶۵
۱- جریان‌های معرفتی موثر بر مطالعات فرهنگی.....	۶۵
۱-۱- مارکسیسم.....	۶۵
۱-۱-۱- لویی آلتوسر.....	۶۶
۱-۱-۲- آنتونیو گرامشی.....	۶۷
۲-۱- فرهنگ گرایی.....	۶۸
۳-۱- ساختارگرایی.....	۶۹
۴-۱- پسا ساختارگرایی و پسامدرنیسم.....	۷۱
۱-۴-۱- پسا ساختارگرایی.....	۷۲
۱-۴-۱-۱- پسا ساختارگرایان موثر بر مطالعات فرهنگی..	۷۳
۱-۴-۱-۲- ژاک دریدا.....	۷۳
۱-۴-۱-۳- میشل فوکو.....	۷۵
۲-۴-۱- پسامدرنیسم.....	۷۶
۳-۴-۱- تأثیرات پست مدرنیسم بر مطالعات فرهنگی.....	۷۸
۵-۱- روانکاوی.....	۷۸
۶-۱- سیاست تفاوت: نظریه‌های فمینیستی، نژادی و پسااستعماری.....	۸۰
۱-۶-۱- فمینیسم.....	۸۰
۲-۶-۱- نژاد، قومیت و دو رگه بودن.....	۸۱
۳-۶-۱- مطالعات پسااستعماری.....	۸۲
۲- مبانی معرفتی مکتب مطالعات فرهنگی.....	۸۲
۱-۲- هستی شناسی.....	۸۲
۱-۱-۲- ضد ذات گرایی.....	۸۳
۲-۱-۲- نفی متافیزیک حضور.....	۸۴
۳-۱-۲- رد فرا روایت‌ها.....	۸۴
۲-۲- انسان شناسی.....	۸۵

- ۸۶..... ۱-۲-۲- مرگ سوژه
- ۸۸..... ۳-۲- معرفت شناسی
- ۸۹..... ۱-۳-۲- زبان و بحران‌بازنمایی
- ۹۲..... ۲-۳-۲- ارتباط حقیقت با گفتمان و قدرت
- ۹۲..... ۱-۲-۳-۲- ارتباط حقیقت با گفتمان
- ۹۲..... ۲-۲-۳-۲- ارتباط حقیقت با قدرت
- ۹۳..... ۳-۳-۲- امکان دستیابی به معرفت
- ۹۳..... ۱-۳-۳-۲- تعریف حقیقت
- ۹۴..... ۲-۳-۳-۲- خواست حقیقت
- ۹۵..... جمع بندی
- ۹۶..... فصل چهارم: نقد مبانی معرفت شناختی مکتب مطالعات فرهنگی
- ۹۷..... مقدمه
- ۹۷..... ۱- نقد مبانی هستی‌شناسی
- ۹۸..... ۱-۱- نفی واقعیت
- ۹۸..... ۲-۱- ضد ذات‌گرایی
- ۹۹..... ۳-۱- رد فرا روایت‌ها
- ۱۰۰..... ۲- نقد مبانی انسان‌شناسی
- ۱۰۱..... ۱-۲- نفی اختیار و اراده آزاد انسانی
- ۱۰۱..... ۲-۲- نفی هویت واحد انسانی
- ۱۰۱..... ۳-۲- مرگ سوژه و مؤلف
- ۱۰۲..... ۳- نقد مبانی معرفت‌شناسی
- ۱۰۲..... ۱-۳- خلط بین ادراکات حقیقی و اعتباری
- ۱۰۵..... ۲-۳- قرارداد‌گرایی افراطی
- ۱۰۸..... ۳-۳- تقلیل معرفت به ساحت‌های فرهنگی و روانی
- ۱۰۸..... ۱-۳-۳- ابعاد تقلیل‌گرایی
- ۱۱۰..... ۲-۳-۳- اشکالات تقلیل‌گرایی
- ۱۱۲..... ۱-۲-۳-۳- عدم امکان دستیابی به معرفت

- ۱۱۳.....۲-۲-۳-۳- نسبی گرایبی معرفتی
- ۱۱۵.....۳-۲-۳-۳- شکاکیت
- ۱۱۶.....۴-۲-۳-۳- نفی بازنمایی
- ۱۱۷.....۵-۲-۳-۳- فقدان ملاک و معیار سنجش
- ۱۱۸.....۶-۲-۳-۳- ناتوانی در تحلیل اشتراکات فرهنگی
- ۱۱۹.....۷-۲-۳-۳- انحصار سطوح بنیادین به توافقات
- ۱۲۲.....جمع بندی
- ۱۲۴.....خاتمه: نتیجه گیری و پیشنهادها
- ۱۲۵.....پاسخ به پرسش اول تحقیق: معرفی مکتب مطالعات فرهنگی
- ۱۲۶.....پاسخ به پرسش دوم تحقیق: مبانی معرفتی مطالعات فرهنگی
- ۱۲۸.....پاسخ به پرسش سوم: نقد مبانی معرفتی مطالعات فرهنگی
- ۱۳۱.....کتاب نامه

مقدمه

کلیات

۱- بیان مسئله

یکی از مکاتب مهم علوم اجتماعی، مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام است، که در دهه ۱۹۶۰ در انگلستان تاسیس شد. مطالعات فرهنگی به مجموعه قابل توجهی از پژوهش‌ها، نظریات، روش‌ها و فعالیت‌های انتقادی اطلاق می‌شود که به تحلیل اشکال و فرایندهای فرهنگی می‌پردازد. بررسی فرهنگ عامه و زندگی روزمره دو موضوع اصلی این مکتب هستند. مطالعات فرهنگی در بررسی و تحلیل‌های خود از روش‌های کیفی مانند مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های کیفی و تحلیل‌های متنی بهره می‌برد. این مکتب نیز مانند سایر مکاتب علوم اجتماعی مبتنی بر مبانی مختلف معرفتی و فلسفی بوده و مباحثی را پیرامون مسایل معرفتی مطرح می‌نماید. مهم‌ترین مباحث فلسفی در مطالعات فرهنگی معرفت‌شناسی تمرکز یافته و شامل پرسش‌هایی درباره وضعیت حقیقت و دانش است. مطالعات فرهنگی در پاسخ به این پرسش‌ها، حقیقت را دستاوردی تاریخی و فرهنگی دانسته و نتیجه‌ی قدرت تلقی می‌کند.

باید افزود امروزه مطالعات فرهنگی به یکی از رشته‌های تنومند علمی در مراکز علمی و دانشگاهی دنیا تبدیل شده است و در سالیان اخیر نیز، نظریات آن رواج گسترده‌ای در میان جامعه علمی کشورمان پیدا کرده است به گونه‌ای که تأثیرات بسزایی را بر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی برجای گذاشته است، اما به نظر می‌رسد که مکتب مورد بررسی علی‌رغم وجود مزایای روش‌شناسی و نوآوری‌های پژوهشی در مبانی معرفت‌شناختی خود دارای اشکالات و نواقصی است که انجام پژوهشی انتقادی پیرامون آن را ضروری می‌دارد، زیرا بدیهی است پرداختن به هر نظریه‌ای بدون توجه به مبانی معرفتی آن، تصویر نارسایی را در اختیار محققان قرار خواهد داد. با توجه به آنچه گفته شد تحقیق حاضر در پی آن است که به بررسی انتقادی مبانی معرفت‌شناختی مطالعات فرهنگ بپردازد.

۲- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

سؤال اصلی: چه نقدهایی بر مبانی معرفت‌شناختی مکتب مطالعات فرهنگی وارد است؟
سؤالات فرعی:

- ۱) مطالعات فرهنگی چیست و دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
- ۲) مبانی معرفتی شناختی مطالعات فرهنگی کدامند؟
- ۳) چه انتقاداتی بر این مبانی معرفتی وارد است؟

۳- اهمیت و فایده تحقیق

اهمیت بررسی این موضوع به این واقعیت باز می‌گردد که توجه به مبانی معرفتی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها به ویژه در علوم اجتماعی که از سطوح و ابعاد مختلفی برخوردار است، ضروری است، در نتیجه نمی‌توان به سادگی از تأثیرات مبانی معرفتی این مکتب در چگونگی انجام مطالعات فرهنگی گذشت. از سوی دیگر انتخاب این موضوع و بررسی انتقادی مبانی معرفت‌شناختی آن در موطن اصلی‌اش، یعنی مرکز بیرمنگام (به عنوان اولین مرکز علمی که رسماً این نوع مطالعات را در دستور کار خود قرار داد) بستری را فراهم می‌آورد تا بتوان فارغ از تعصبات و پیش‌داوری‌ها به ارزیابی معرفتی آنچه با عنوان مطالعات فرهنگی به عنوان گرایش و روشی برای تحلیل و توصیف فرهنگ در کشور رواج دارد پرداخت.

۴- اهداف تحقیق

- ۱) معرفی و شناسایی مکتب مطالعات فرهنگی
- ۲) بررسی و بیان مبانی معرفتی مکتب مطالعات فرهنگی
- ۳) ارزیابی انتقادی مبانی معرفتی مکتب مطالعات فرهنگی.

۵- پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام گرفته به نظر می‌رسد هرچند کتاب‌ها و مقالات متعددی پیرامون مطالعات فرهنگی وجود دارد اما آنچه در این آثار به‌آن توجه شده است، معرفی مطالعات فرهنگی، اصول و مؤلفه‌های آن، چگونگی انجام مطالعات فرهنگی و روش‌های پژوهش فرهنگی بوده است و کمتر اثری را می‌توان یافت که در آن به مبانی نظری و فلسفی این مکتب

بهبود صورت جامع و مستقل پرداخته باشد. از جمله این آثار می‌توان به مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه اثر جان استوری، کتاب درآمدی بر مطالعات فرهنگی اثر سایمون دورینگ و درآمدی بر مطالعات فرهنگی تألیف محمد رضایی اشاره کرد. مطالعات فرهنگی؛ اصول و مبانی تألیف خانم مه‌ری بهار و مجموعه مقالاتی درباره مطالعات فرهنگی تألیف رضا جمالی، دو کتاب دیگری هستند که اگرچه به صورتی کلی به بررسی تاریخچه و اصول این مکتب پرداخته‌اند اما در هر دو این آثار، مبانی معرفتی این مکتب مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد اثر دیگری است که هرچند در بخشی از آن به‌گونه‌ای اجمالی مبانی نظری مطالعات فرهنگی بررسی شده است اما فاقد رویکرد انتقادی است.

در زمره مقالات شاخص و مرتبط با این حوزه می‌توان به مکتب مطالعات فرهنگی از حسین شرف‌الدین و همچنین ملاحظات روش‌شناختی در مطالعات فرهنگی از محمد رضایی نام برد. در مقاله اول به صورتی کلی و گذرا گزارشی از این مکتب ارائه شده و در مقاله دوم گرچه به مباحث روش‌شناسی پرداخته شده است اما به‌صورت بنیادین مباحث معرفت‌شناختی مطرح نگردیده و ارزیابی‌ای نیز از سوی نویسنده صورت نگرفته است.

با این وصف در تمامی آثار گفته شده یا به مبانی نظری مطالعات فرهنگی توجه نشده و یا در صورت توجه به ذکر جریان‌های فکری موثر بر این مکتب اکتفا گردیده و ورودی به مبانی فلسفی و به خصوص معرفت‌شناختی این مکتب صورت نگرفته است. همچنین باید افزود که در ارتباط با موضوع مبانی معرفتی مطالعات فرهنگی و یا موضوعاتی مشابه که رویکردهای نظری مطالعات فرهنگی را موضوع تحقیق و بررسی خود قرار بدهند، پژوهش‌پژوهشی وجود ندارد؛ لذا می‌توان گفت که تحقیق حاضر، اولین پژوهشی است که به‌صورت مستقل و جامع به بررسی مبانی معرفتی این مکتب می‌پردازد.

۶- فرضیه‌های تحقیق

پژوهش که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت از نوع توصیفی-اکتشافی است و با توجه به این که در تحقیقات اکتشافی ضرورتی به ارائه فرضیه تحقیق وجود ندارد لذا در اینجا فرضیه‌ای ارائه نمی‌گردد.

۷- پیش فرض های تحقیق

- ۱- پذیرش اصل واقعیت، و اینکه واقعیتی وجود دارد. (رنالیسم)
- ۲- وجود ادراک و علم در آدمی امری مسلم است و انسان توانایی شناخت انحاء واقعیت را دارد.
- ۳- ابتناء مکاتب نظری در علوم اجتماعی بر مبانی معرفتی و اشراق این مبانی در نظریات.

۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روشی که در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به کار می رود روش تحلیلی-عقلی است. به عبارت دیگر بر اساس دلالت های عقلی پیش فرض ها، مبانی معرفتی و لوازم عقلی مکتب مطالعات فرهنگی بر اساس متون و آثار موجود بررسی و بر اساس روش عقلی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۹- سازماندهی پژوهش

با توجه به این که موضوع تحقیق حاضر بررسی انتقادی مبانی معرفت شناختی مکتب مطالعات فرهنگی است و بررسی این موضوع نیز سه سؤال و هدف اصلی را در پی داشت، و همچنین ضرورت توضیحی جامع پیرامون مفاهیم استفاده شده، لذا تحقیق حاضر در ۴ فصل تنظیم شده است که عبارتند از: چارچوب مفهومی، معرفی مکتب مطالعات فرهنگی، بررسی مبانی معرفت شناختی مطالعات فرهنگی، نقد مبانی معرفت شناختی مطالعات فرهنگی.

فصل اول چارچوب مفهومی است. در این فصل جهت روشن شدن مفاهیم اصلی و کاربردی در فرآیند تحقیق، همچنین برای روشن شدن سازمان و فضای تحقیق در ذیل سه بخش مجزا، مفاهیم تحقیق تعریف می شوند و نسبت بین آنها بیان می شود. در بخش اول این فصل، بررسی انتقادی و معیار نقد، در بخش دوم مبانی معرفت شناختی و لوازم آن، در بخش سوم مفهوم مکتب و رابطه آن با نظریه، در بخش چهارم مفهوم فرهنگ و در انتهای این فصل به بررسی مفهوم مطالعات فرهنگی پرداخته می شود.

فصل دوم به معرفی مکتب مطالعات فرهنگی اختصاص دارد. در این فصل مکتب مطالعات فرهنگی به طور کامل معرفی می شود. بخش های این فصل را عناوین ذیل تشکیل

می‌دهند: تاریخچه مطالعات فرهنگی، زمینه‌های وجودی پیدایش این مکتب، زمینه‌های معرفتی زمینه ظهور آن، ویژگی‌ها، روش‌های مورد استفاده، مفاهیم پر کاربرد، موضوعات مورد توجه و متفکران برجسته مطالعات فرهنگی.

در فصل سوم مبانی معرفت‌شناختی مکتب مطالعات فرهنگی بررسی می‌شوند. مباحثی که در این فصل مطرح می‌شوند، پیرامون مبانی معرفت‌شناختی مطالعات فرهنگی و همچنین دیگر مباحث مرتبط که در فهم مبانی معرفت‌شناختی کمک می‌کند، می‌باشند؛ لذا این فصل در دو بخش اصلی تنظیم می‌شود. در بخش اول به بررسی و شناسایی جریان‌های معرفتی و فکری موثر بر تکوین و شکل‌گیری مبانی معرفت‌شناختی مطالعات فرهنگی پرداخته می‌شود. در بخش دوم نیز مبانی معرفت‌شناختی مطالعات فرهنگی بررسی می‌شود؛ به دلیل ارتباط مباحث معرفت‌شناختی با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، در این بخش، علاوه بر معرفت‌شناسی به انسان‌شناسی و هستی‌شناسی مطالعات فرهنگی نیز پرداخته می‌شود.

موضوع فصل چهارم، نقد مبانی معرفت‌شناختی مطالعات فرهنگی است. بخش‌های این فصل به انتقادات وارده بر مبانی معرفت‌شناختی مکتب مطالعات فرهنگی اختصاص می‌یابد. در انتها نیز مطالب مطرح شده جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده و پیشنهادهای نیز ارائه می‌گردد.